

کار بست گردهم آیی عاشورایی سنی و شیعه در وحدت ملی

سید محمدعلی موسوی^۱

چکیده

داده‌های وحیانی و یافته‌های عقلانی، بیانگر کارکردهای گوناگون مناسک دینی اند. سوگواری امام حسین (ع) آیینی است که فرستاده‌ی خدا (ص) در گفتار و کردار مشروعیت و نوع برگزاری آن را نشان داده است. عزاداری، نخست فضای ذهن و اندیشه سوگواران را عطر آگین می‌سازد و آنگاه در ساحه‌های زندگی آثار مثبتش را نشان می‌دهد. تغییر در نگرش به دین مشترک، اخلاق عمومی، دانش همگانی، رفتار مقبول اجتماعی و سیاست عادلانه کارکردهای نظری سوگواری اند که مؤلفه‌های بنیادین وحدت ملی را می‌سازند. تعدیل خواسته‌های «من طبیعی» و گذار از «قوم»، رسیدن به «امت» و «ارزشهای دینی»، «کرامت انسانی» و «خدای یکتا» کارکردهای فردی عزاداری اند. «کاهش اختلافات مذهبی»، گسترش و تعمیق «مشترکات دینی»، «همبستگی اجتماعی» و «وحدت ملی» را می‌توان تأثیر گذاری اجتماعی و ملی سوگواریها بر شمرد. کژکارکرد سوگواری امام حسین (ع) تنها در پوسته، نه هسته و جوهره‌ی دین اسلام، نسبت به ادیان غیر آسمانی، به حد اقل می‌رسد؛ زیرا افزون بر عناصر پایدار قول، فعل و تقریر پیام آور خدا (ص) بر چگونگی برگزاری سوگواری نوهی بی‌مانندش، اجتهاد فقیهان مطابق با زمان و مکان ماهیت، گونه‌ها و ابزار آن را مشخص می‌کند که هماهنگ با فطرت، خرد و عرف جامعه باشد و به دور از خرافات و آسیب‌ها. بی‌تردید، سوء استفاده سیاستمداران، سطحی‌نگری سوگواران، خرافه‌گرایی مداحان، کاستی برنامه ریزان و نادانی مبلغان می‌توانند اختلافات مذهبی و ملی را در افغانستان در بستر عزاداری ایجاد کنند و گسترش دهند. تازگی نوشته در آمیختن دو عنصر عزاداری و کارکردش در وحدت ملی افغانستان است که پیشینه‌ای تحقیقی با این رویکرد میان مباحث وحدت ملی و عاشورا پژوهی، وجود ندارد.

کلید واژگان: عزاداری، افغانستان، همبستگی اجتماعی و وحدت ملی.

مقدمه

^۱ دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

عزاداری مشترک امام حسین(ع) میان شیعه و سنی افغانستان، می تواند در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت، وحدت بیافریند و همبستگی ایجاد کند؟ بر فرض چنین کارکردی با چه راهکار و مدیریتی این مهم دست یافتنی است؟ واقعیت این است که عزاداری سالانه، مستمر و دهه محرم و اربعین تنها میان شیعیان آن کشور برگزار می شود نه میان جامعه شیعی و سنی.

سوگواری امام حسین(ع) حداقل روز تا سوعا و عاشورا، سالانه در گذشته میان شیعه و سنی مشترک برگزار شده است و امروز هم برگزار می شود. برگزاری پیوسته و حداقلی این مناسک سالانه میان شیعه و سنی در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت، بامدیریت صحیح، می تواند به عنوان یکی از مؤلفه ها، تأثیر بنیادین بر وحدت ملی و همبستگی اجتماعی برجای گذارد. از این نوع مراسم نباید انتظار داشت به تنهایی راه صد ساله را یک شبه طی کند و تمام شکافهای اجتماعی و مذهبی را در کمترین زمان نزدیک سازد.

همانگونه که کژکارکرد عزاداری افراطی شیعیان را، در ایجاد اختلاف ملی نباید نادیده گرفت، بدعت شمردن و تحریم سوگواری امام حسین(ع) را از سوی وهابی ها با تبلیغات اختلاف افکن گسترده نیز در ایجاد، گسترش و تعمیق اختلاف ملی نباید از نظر دور داشت. این دو آسیب، مدیریتی علمی، سیاسی و فرهنگی مشترک و پیوسته علمای شیعی و سنی را در سوگواری می طلبد تا از یک سو، جلو تندروی مذهبی دو طرف را در این مناسک مشترک بگیرند و از سوی دیگر، راهکار نو و قابل پذیرش دو طرف در ایجاد، گسترش و تعمیق سوگواری ها نشان دهند. با مهار تندروی مذهبی و برگزاری سوگواری معتدل و مقبول، پیروان دو مذهب به صورت پیوسته و مشترک، می توان به یکی از مؤلفه های وحدت ملی و همبستگی اجتماعی در افغانستان دست یافت، نه تمام مؤلفه های آن.

از طرف دیگر، اختلاف در جامعه زمانی پدید می آید که دولت یا رهبران و احزاب سیاسی حقوق اولیه مذهبی و سیاسی بخشی از مردم را نادیده بگیرند و تنها برای تأمین حقوق بخشی دیگری از جامعه تلاش کنند. یکی از حقوق اولیه جامعه آزادی مذهب و مناسک مذهبی است. وقتی پیروان یک مذهب بتوانند مراسم مذهبی خود را آشکارا انجام دهند، از این جهت دلیل بر مخالفت با دولت و مذهب رسمی ندارند نه جهات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیگر. بنابراین، کمترین آثار برگزاری عزاداری برای پیروان خاص یک مذهب، کاهش اختلاف مذهبی، سازگاری بخشی از

جامعه با دولت و پیروان مذهب رسمی یک دولت از یکسو، ایجاد، گسترش و تعمیق وحدت اسلامی و ملی از سوی دیگر است.

عزاداری خاص یک مذهب، افزون بر کارکرد ملی، میان اقوام درون جامعه شیعی هم پیوند ایجاد می‌کند و همبستگی می‌آورد. چون قوم، بیان‌گر خصوصیات فیزیکی و آداب و رسوم اجتماعی، جدایی یک نژاد از نژاد دیگری است که افراد یک قوم خود را متمایز از افراد قوم دیگری می‌بیند. اما وقتی مناسک مشترک که ریشه در وحی، وجدان و خرد انسانی دارد دسته جمعی برگزار می‌شود، همه اقوام درون مذهبی به آن احساس وابستگی می‌کند و کمتر احساس گسستگی. از این رهگذر سوگواری با حفظ خون و فرهنگ، خدا و دین، میان شان همبستگی ایجاد می‌کند و گسستگی شان کاهش می‌یابد. پس از آن در دیگر تعاملات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شان می‌توانند برپایه مشترکات عمل کنند و افتراقات همدیگر را به رسمیت بشناسند.

اگر عزاداری میان شیعه و سنی مشترک برگزار شود، کارکردهای بیشتری دارد؛ چنانکه مسأله پژوهش مقاله هم به آن می‌پردازد و تاریخ نیز این حقیقت را نشان می‌دهد. عبد الجلیل رازی در کتاب «النقض» که سال ۵۶۰ ق آن را تألیف کرده است، می‌نگارد: «جزع و فزع مخصوص شیعه نیست؛ در همه بلاد، اصحاب شافعی و بلاد اصحاب ابو حنیفه، فحول علما چون محمد منصور، امیر عبادی، خواجه علی غزنوی و .. باقیان از فریقین در موسم عاشورا این تعزیت با جزع و نوحه و زاری داشته اند و بر شهدای کربلا گریسته و این معنی از آفتاب ظاهر تر است».^۲ وی در جای دیگر کتابش، نخست اشکال نویسنده‌ی ناشناس کتاب «بعض فضایح الروافض» را می‌آورد که گفته است: «یکی از بدعت‌های شیعیان این است که در سالگرد شهادت امام حسین بر سر و سینه می‌زند و به عزاداری می‌پردازند» و آنگاه نقل می‌کند که ابو حنیفه خود در مجلس عزاداری امام حسین (ع) شرکت می‌کرده است. سپس می‌افزاید: «این سنت اختصاص به شیعه ندارد و بزرگان اهل سنت، از جمله ابو حنیفه و شافعی، این سنت را رعایت کرده و این طریقه را نگاه داشته اند. بنابراین، اگر این سنت عیب محسوب شود، نخست باید بر ابو حنیفه و شافعی و اصحاب ایشان اعتراض نمود و آنگاه بر شیعه».^۳

^۲النقض ۵۹۲.

^۳ همان ۴۰۲.

بر پایه همین حقیقت تاریخی، امروز به برکت خون شهیدان انقلاب اسلامی افغانستان و تلاش عالمان دلسوز و آگاه، سوگواری امام حسین (ع) میان شیعه و سنی در کشور ما مشترک برگزار می شود. بی تردید، دشمن پنهانی، از درون و بیرون می خزند تا این آیین مشترک را از مردم ما بگیرند و آن را به شکل افراطی مخصوص شیعیان قرار دهد.

عطا محمد نور در یکی از این جلسسه ها گفته بود: «من برخویش می بالم که زمینه را فراهم آوردم تا عاشورای حسینی و تجلیل از مقام والای امام حسین (ع) و شهدای کربلا را پیروان شیعه ی جعفری و سنی حنفی که هر دو به اهل بیت پیامبر خدا (ص) مهر می ورزند، در جوار آرامگاه سلطان اولیا و حضرت علی، مشترکاً برگزار نمایند. به این ترتیب بزرگداشت امام حسین (ع) به رمز و نماد وحدت امت مسلمه مبدل سازند و نقش بلخ در توحید اراده و عمل مسلمانان برای عزت و آزادی ثبت صفحات زرین تاریخ سازند».^۴

پیشینه عزاداری سنیان افغانستان

اهل سنت افغانستان، بر پایه وجوب ضرورت محبت خاندان پیامبر خدا (ص)، سوگواری امام حسین (ع) را از گذشته تا کنون بر پا کرده اند.^۵ عزاداری تمام شهرهای سنی نشین را نه تاریخ نگاران ثبت کرده اند و نه تحقیقات میدانی ترسیم و تدوین. از این رو، تنها به نقل آنچه ثبت شده یا افراد راستگو نقل کرده اند و یا امروز دیده می شود، می توان استناد کرد.

حامد کرزی، در یکی از سخنرانی هایش، از برگزاری مشترک عزاداری امام حسین (ع) میان شیعه و سنی در گذشته و امروز یاد می کند و می گوید: «افغان ها در گذشته نشان دادند که در برگزاری مراسم عاشورا اتفاق نظر دارند».^۶ وی مراسم دهه محرم را به عنوان نماد وحدت ملی کشور و الگوی همبستگی برای دیگران برشمرد و تأکید کرد: «شیعه و سنی از دهه محرم الحرام به گونه ای تجلیل کنند که نمونه برای جهان اسلام باشد».^۷

^۴ راهکار های عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۲۹.

^۵ بنگرید به مقاله سید محمد علی موسوی با عنوان: پیشینه عزاداری امام حسین (ع) میان اهل سنت، گشایش، سال هشتم شماره ۲۲ و ۲۳ ص ۱۷۳؛ و مقاله آقایان محمد جمعه شیخ زاده و محمد شریف حیدری با عنوان: سنت ها و آیین های بزرگداشت عاشورا میان اهل سنت افغانستان، همان ص ۳۶.

^۶ راهکار های عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۲۴.

^۷ همان.

عبدالرحیم وردک، وزیر دفاع ملی پیشین افغانستان نیز در یکی از مراسم‌های عزاداری گفته بود: «فرزندان سلحشور و قهرمان افغان زمین، در طول تاریخ پر ماجرای خود، همیشه وفاداری خود را به فلسفه حماسه حسینی و پیام پخش شده از امواج فرستنده کربلا به تکرر و تواتر به اثبات رسانیده است».^۸

عطا محمد نور هم در یکی از مراسم‌های عزاداری امام حسین(ع)، پیشینه‌ی ارادت و حمایت مردم افغانستان را از خاندان پیامبر خدا(ص) این گونه بر شمرد: «مردم افغانستان در تاریخ شش هزار ساله‌ای خویش پیوسته منادی آزادگی، داد گستری و روشننگری بوده و از آغاز در خط حمایت از حقیقت اسلام، سنت پیامبر خدا(ص) و عترت او ایستاده اند».^۹

بسا گفته شود سیاست مداران برای کمپاین حزبی و سیاسی شان این سخنان را بر زبان رانده و باور و آگاهی به کارکرد این مراسم مشترک در وحدت ملی و همبستگی اجتماعی نداشته اند. باید در پاسخ گفت: حقایق تاریخی سخنان این‌ها را تأیید می‌کند چه خود بر آن باور داشته باشند یا نان به نرخ روز بخورند. دیگر اینکه میان آنان عالمان و اندیشمندان وجود دارند که به اصطلاح کلمه سیاستمدار حرفه‌ای گفته نمی‌شود. ثالثاً برخی اندیشمندان هم رویکرد سیاسی دارند و آن رویکرد را در تمام گفته‌ها و نوشته‌هایشان می‌توان مشاهده کرد. رابعاً معنی سخنان آنها عین برداشت جامعه شناسان است که کارکرد مناسب دینی را تبیین و تحقیق کرده اند.

افزون بر تکه‌های سخن سیاستمداران اهل سنت، نخست مستندات تاریخی برگزاری سوگواری در ولایتهای افغانستان نقل می‌شود و سپس کارکرد عزاداری در ایجاد و گسترش وحدت ملی تبیین و تحلیل.

بامیان

سنیان مرکز بامیان در سیدآباد، ککرگ، سوماره، آهنگران، تیبوتی، گوروانا، تولواره، تویچی، جگره خیل، ملایان و دیگر ساحه‌های آن شهر، در گذشته سوگواری سالار شهیدان را برپا می‌کردند. ختم قرآن و نذر دادن برای امام حسین(ع) را که خودم که زاده آن دیارم، به روشنی یاد می‌آورم

^۸ همان ۱۲۲.

^۹ راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۲۵.

و تشکیل جلسات عزاداری اهل سنت را ریش سفیدان ما نقل می کردند. مشارکت آنان را در تکیه خانه شیعیان قریه های مرکز، و گرد آمدن شان در ایام محرم و دیگر زمان ها به مرقد میر سیدعلی یخسوز و میرهاشم دیوبند را زن و مرد بامیانی های اصیل و بومی به روشنی یاد می آورند.^{۱۰}

جلال آباد

مردم شریف آنجا در ایام عاشورا، مجلس بسیار باشکوه برپا می کردند. از سال های ۱۳۴۷ به بعد تا چندین سال قبل از حمله کمونیست ها، ۱۳۵۷ این مراسم ادامه داشت. از تمام ولایت های شرقی برادران محترم اعم از علما، دارالحفاظ و دانشجویان و محصلین و صاحب منصبان ملکی و تمام مردم فرهنگ دوست و وحدت خواه در آنجا حاضر می شدند... جمعیت خیلی زیاد بود... اکثرا از اهل سنت بودند.^{۱۱}

سرپل

پیوند نیرومند شیعه و سنی برپایه ی باورهای مشترک دینی، منافع ملی و فرهنگ همسان اجتماعی، سبب شده است تا ماهیت، شکل و دستامد سوگواری امام حسین (ع) را دوگروه بهتر درک کنند و نسبت بدان اظهار همدردی مشترک نمایند. «اهل سنت سرپل، از جمله ازبک های سنی مذهب در ایام عاشورا باذبح گوسفند و گاو و اطعام و دادن نذورات دیگر، روز عاشورا را به پایان می برند و در مراسم عزاداری شرکت می کنند. کسانی که از خارج منطقه در این مراسم حضور یابند، به سادگی متوجه تفاوت مذهبی عزاداران حسینی در امامزاده یحیی نمی شوند و اهل سنت ازبک، مانند شیعیان هزاره و بلوچ در آن شرکت می کنند».^{۱۲}

کابل

سوگواری امام حسین (ع) را مردم کابل مانند دیگر شهرها در گذشته برگزار می کردند و امروز هم برگزار می کنند. «وجود تکایا و حسینیه در شهر کابل به نام ازبکان، نشان دهنده ارتباط این قوم سنی مذهب افغانستان به اهل بیت و عزاداری امام حسین (ع) است».^{۱۳}

کنر

^{۱۰} پیشینه عزاداری امام حسین (ع) میان اهل سنت، گشایش، سال هشتم شماره ۲۲ و ۲۳ ص ۱۷۳.

^{۱۱} انقلاب کرپلا، ۴۴۹.

^{۱۲} همان، ۴۵۲.

^{۱۳} تشیع در خراسان عهد تیموریان، ۱۸۶ تا ۲۰۰.

از زمان بابر به بعد، طایفه‌ای از سادات عمدتاً سنی مذهب در ولایت کنر زندگی می‌کنند که در اصطلاح مردم آن ناحیه به عنوان "پاشا" یاد می‌شوند. این گروه در تعظیم شعائر اهل بیت از جمله عزاداری اهتمام فراوان داشته‌اند.^{۱۴} از گذشته تاکنون تجلیل از ر سوم قدیم در ایام متبرک تقویم اسلامی، مانند عیدین و شب برات، (۱۵ شعبان) و چهارشنبه آخر صفر و غیره به عمل می‌آید.^{۱۵}

هرات

به وجود عزاداری سنیان در هرات از دوراه می‌توان پی برد: یکی داستان که خود از فرد ثقه بایشینه مذهب حنفی شنیدم و دیگر تکه‌های تاریخ هرات. فرد نامبرده برایم نقل کرد: که منزل ما در سنگ بالا، نزدیک باد غیس هرات قرار داشت. پدرم مرد باسوادی بود به نام ملاحیب. او شبهای جمعه، ماه محرم و روزهای عاشورا و تاسوعا برایمان کتاب «روضه الشهداء» ملاحظه‌کنیم کاشفی واعظ را از رو، بالای منبر می‌خواند. افزون بر خانواده، دو ستان هم‌سایگان و آشنایان هم در این مجالس گرد می‌آمدند.^{۱۶}

راه دیگر مرثیه خوانی اهل بیت (ع) در محفل سوگ فرزند حاکم هرات بود که در آن زمان صورت گرفت. «و آن حضرت (شاهرخ میرزا) مدت چهل روز بر مسند خلافت و مقر سلطنت می‌نشست و مشاهیر ایران و توران و اعظم ربع مسکون و مهتران خراسان بدرگاه همایون جمع بودند. هر روز یکی دو شاعر ماهر، مرثیه‌ها به موقف عرض و حال آن‌ها می‌رسانیدند. از جمله مولانا سیف الدین نقاش اصفهانی که واحدی تخلص می‌کردی، مرثیه نیکو گفته است. و مرثیه این است: ... یارب به حق حرمت اولاد فاطمه، صبری بده به بیگم غمگین ناتوان...».^{۱۷} بیگم، همان گوهر شاد بیگم، همسر شاهرخ میرزا حاکم آن روز گار و مادر شاهزاده باسینقر است که به تازگی آن زمان فوت کرده بود. این مجلس‌ها به یاد بود وی برگزار می‌شد و در بار تیموریان مداحان به این بهانه مرثیه اهل بیت (ع) می‌خواندند.

افزون بر این، مردم هرات در زمان تیموریان، سوگواری را بر ذکر مجالس صوفیانه که آن زمان گروهی از صوفیان بدان پایبندی داشتند، ترجیح می‌دادند. «گریه برای امام حسین (ع) جانشین

^{۱۴}. انقلاب کربلا، ۴۴۵.

^{۱۵}. تاریخ افغانستان بعد از اسلام، ۶۶۱.

^{۱۶} پیشینه عزاداری امام حسین (ع) میان اهل سنت، گشایش، سال هشتم شماره ۲۲ و ۲۳ ص ۱۷۳.

^{۱۷}. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ۲، ۸۹.

مجالس ذکر صوفیانه، که نقشبندیان آن را ملغی کرده بودند، شده بود».^{۱۸}

کارکردهای عزاداری مشترک

با یاد آوری برخی برگهای تاریخ سوگواری، عزاداری اهل سنت، را در افغانستان می توان قطعی شمرد و بدون تردید. چنانچه این سنت مشترک، در جامعه با مدیریت صحیح و متوازن علمی، فرهنگی و سیاسی عالمان بر پایه مشترکات دو مذهب و با حضور شیعه و سنی برگزار شود، تأثیر گذاری آن بیش از برگزاری خصوص پیروان یک مذهب است که شش کارکرد اساسی را می توان برایش بر شمرد:

یک — نقطه های مشترک دو مذهب گسترش یافته و تقویت می شوند. زیرا پیروان هر دو مذهب همان گونه که به افتراقات مذهبی باور و پایبندی دارند به مشترکات دینی هم باور، پایبندی و احساس تعلق دارند. نقط اشتراکی دو مذهب، چیزی جز دستورات اسلام و گزاره های دینی نیست. پس نتیجه برگزاری عزاداری، حفظ، تقویت و گسترش دین است. همان که بیش از ۹۹٪ مردم بدان پایبندی دارند و در نگاه شان تقدس. بی تردید مسائل اختلافی فقهی میان مذاهب وجود دارد که نسبت به مشترکات کمتر به شمار می آید.

دو — به نقطه های افتراقی مذاهب هم احترام می شود. چون اصل مناسک یک مذهب را دولت، احزاب سیاسی و نمایندگان مذهب دیگر به رسمیت شناخته و بدان احترام می گذارند. وقتی پیروان یک مذهب بتوانند آزادانه مناسک مذهبی خویش را انجام دهند، از زاویه مذهبی چه دلیل بر مخالفت با دولت و پیروان مذهب رسمی یک کشور می تواند داشته باشد؟ ممکن است مخالفت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشند که در جای خود باید حل و فصل گردد. وقتی جامعه های مذهبی بدون تضاد و موانع با یکدیگر بتوانند آزادانه مراسم مذهبی خویش را برگزار نمایند اختلافات مذهبی خود به خود در جامعه کاهش می یابد و تعامل اجتماعی و دینی افزایش. سه — پرده ی پندار نادرست پیروان مذاهب نسبت به محتوا و مناسک مذهب دیگری دریده می شود و برداشت کژ آنان تصحیح می گردد. برداشت های که از بیرون و درون آگاهانه و بیخردانه با انگیزه های سیاسی و قومی طرح شده و گسترش یافته است. زیرا درونمایه و آموزه های مذهبی طرف مقابل را می بینند که مقرب بنده به پروردگار و مبعود وی از معصیت است. از سوی دیگر

^{۱۸}. تشیع و تصوف، ۲۶۲.

محتوای این مراسم در چهار چوب منافع مشترک هدایت می‌شوند و از افراطی گری مذهبی و قومی پرهیز می‌گردد.

چهار — برداشت و پندار، گفتار و کردار هریک از پیروان مذاهب دیگری تعدیل می‌شود و تغییر می‌کند. زیرا پیش داوری یا تبلیغات نادرست و افراطی گرایی یا خرافه های که پیروان یک مذهب به دیگری نسبت می‌دهند در این گونه مجالس عملکرد دیگری را به روشنی می‌بینند و بیش آنان دگرگون می‌شود. وقتی پیروان یک مذهب کردار و گفتار پیروان مذهب دیگری را در ساحه‌های زندگی بدون پیش داوری یا تبلیغات دیگران به روشنی بنگرند؛ دیدگاه شان نسبت به دیگران تعدیل می‌شوند.

در کارکرد سوم، نظر به اصل مذهب و درونمایه و پوسته آن است و در کارکرد چهارم نگاه به عملکرد و گفتار و پندار پیروان مذاهب است نه خود مذهب.

پنج — برنامه‌های اختلاف انگیز دشمنان ملت و مذاهب اسلامی ناکام می‌ماند. همان «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» دشمنان که در تاریخ افغانستان، بویژه جنگ‌های خانمان سوز داخلی، به روشنی نمایان شده است و بیشترین اختلافات ملی ما نه از درون که از بیرون سرچشمه می‌گیرد.

شش — با محور قرار گرفتن دین مشترک، منافع و مصالح مشترک، فرهنگ مشترک، سرزمین مشترک، آداب و رسوم مشترک، دشمنان مشترک و تاریخ مشترک، اختلافات منفی اقوام کاهش می‌یابد و رقابت مثبت افزایش.

پذیرش تمام این کارکردها در گرو اثبات عزاداری مشترک شیعه و سنی در افغانستان با مدیریت صحیح عالمان دو مذهب است و پذیرش برخی کارکردها در گرو اثبات عزاداری آشکار شیعیان که دولت، احزاب و پیروان مذهب حنفی به رسمیت شناخته و بدان احترام گذارند.

نوع تأثیر گذاری

پس از اثبات عزاداری مشترک سنیان و شیعیان در افغانستان، فرض دیگر این است که مناسک مذهبی اهمیت بنیادین دارند و زیر بنای گفتار، کردار و پندار پیروان مذاهب به شمار می‌روند و در تمام ساحه‌های زندگی آنان از جمله تعامل با دیگران، تأثیر گذار است. «عملکردهای مذهبی مانند تشریفات و مناسک و نه باور داشته‌ها، اهمیت بنیادین دارند. آدمیان به

مناسک و مراسم بیشتر توجه دارند تا آموزه‌های مذهبی. برای شناخت دین، نخست باید شیوه‌های عملکرد مردم را تحلیل کرد و نه باور داشته‌های شان را. عملکردها اهمیت درجه یک و باور داشته‌ها اهمیت درجه‌ی دوم دارند.^{۱۹}

زیرا باور داشته‌ها آموزه‌های فکری و اعتقادی است که در تیررس اندامهای حسی قرار نمی‌گیرد بلکه فراتر از آنها در منظومه وجودی دیگری قرار دارند به نام ملاکات، جعل و اعتباریات. مناسک و آیین‌های مذهبی پوسته و نماد همان هسته‌های اعتقادی اند که در قلمرو اندامهای حسی قرار می‌گیرند و مرتبه فعلیت نامیده می‌شوند. از این رو، بشر به آسانی می‌تواند به اندازه‌ی دانش و خردش از ماهیت و احکام این افعال عبادی پرده بردارد و به آن نمادها و تشریفات پیوند همیشگی برقرار نماید.

عزاداری گاهی تأثیر آشکار برجای می‌نهد و زمانی آثار پنهانی بر ذهن و اندیشه جامعه می‌گذارد؛ سپس به تدریج با فرایند خاصی در اندیشه، گفتار و کردار آنان آشکار می‌شود. از این رو، «توجیه راستین عملکردهای مذهبی را در هدفهای آشکار این عملکردها نباید پیدا کرد، بلکه از طریق اعمال نفوذ نامریی این عملکردها بر ذهن انسانها و نحوه تأثیر آنها برحالت‌های ذهنی ما، می‌توان به توجیه واقعی این عملکردها دست یافت».^{۲۰}

از این رو، سوگواری نخست فضای اندیشه و روح اجتماع را دگرگون می‌کند آنگاه به پیروی از این دو، گفتار و کردار انسان دگرگون می‌شود. یا برعکس نخست کردار را تغییر می‌دهد و آنگاه اندیشه جامعه دگرگون می‌شود. چون میان اندیشه و عمل رابطه دوسویه وجود دارد نه یک سویه. آری، «مرثیه، شعر و نثر در فضائل اهل بیت و در مصائب آنها گفته بشود تا این مردم مهیا باشند، در صحنه باشند، بدانند که ائمه ما تمام عمر شان را صرف برای ترویج اسلام کردند».^{۲۱}

آیین‌های عزاداری با وجدان جامعه سروکار دارد و بر انگیختن وجدان جمعی از مهمترین کارکرد آن به شمار می‌رود. چون «صدای همگان آهنگی دارد که صدای یک فرد هرگز نمی‌تواند داشته باشد».^{۲۲} پس از بر انگیختن، جامعه آمادگی کنش و احساسات جمعی را به دست می‌آورد

^{۱۹} جامعه شناسی دین ۱۶۹.

^{۲۰} جامعه شناسی دین ۱۷۹.

^{۲۱} صحیفه امام ۱۵، ۳۳۲.

^{۲۲} جامعه شناسی ۱۷۶ دین.

و در این دایره خود بنیاد و مقدس مردم با یکدیگر هم صدا، هم اندیشه و همسو می‌شوند. ایجاد، گسترش و تعمیق وحدت ملی و اخوت اسلامی، مهم ترین سمت و سوی است که از عزاداری‌ها انتظار می‌رود عملی شود. بدین سان، «در میانه یک جمع برانگیخته از یک سودای مشترک، آمادگی چنان کنشها و احساساتی را پیدا می‌کنیم که به تنهایی و به نیروی شخصی مان هرگز توانایی آنها را نمی‌یابیم».^{۲۳}

کارکرد مهم دیگر سوگواری برای آنان است که در حاشیه اند؛ زیرا کسانی که در قدرت مشارکت دارند، به آسانی از رسانه‌ها سخنش را به دیگران می‌رسانند. اما در برخی کشورها به دلیل سانسور دولتی رسانه، مخالفان و دیگر نخبگان جدا از قدرت، از این امکانات بی بهره‌اند. سوگواری زمینه را برای بیان اندیشه تمام طیف‌های فکری می‌گستراند و اختصا صی به یک گروه و اندیشه‌ای خاص مذهبی و سیاسی ندارد. از این رو، شکافهای اجتماعی و اختلاف ملی کمتر می‌شود و جامعه به همبستگی و وحدت ملی نزدیک تر. بستر عزاداری نه تنهای برای موافقان پهن نشده بلکه برای مخالفان هم گسترده شده است. آنان هم مانند موافقان، می‌توانند با شیوه‌های عزاداری، ابزار و دیگر مؤلفه‌هایش مخالفت کند؛ مخالفت علمی نه سطحی یا کنیه توزانه.

عبد الرحیم وردک، می‌گوید. «به برکت از این روز ششیدایی، این ماه قیام و خون و بخاطر شه سواران لافتی صحرای کربلا، افغانستان وطن به جان و دل بسته ما را صلح و صفا و رفاه نصیب شود و پرچم اردوی ملی ما را که پا سداران را ستین فلسفه جاوید حسینی هستند در هرحال، در همه جا و در همه وقت در اهتزاز و بر افراشته نگهدارد».^{۲۴}

امام خمینی نیز وحدت ملی و همبستگی اجتماعی را میان مسلمانان از طریق سوگواریها دست یافتنی می‌دید. «اسلام این قدر برای اجتماع و برای وحدت کلمه، هم تبلیغ کرده است و هم عمل کرده است؛ یعنی روزهایی را پیش آورده که با خود این روزها و انگیزه این روزها، تحکیم وحدت می‌شود، مثل عاشورا و اربعین. و قرآن کریم پافشاری دارد در این مطلب که متفرق نباشند مردم، مسلمین از هم، و ید واحده باشند و معتصم به حبل الله باشند».^{۲۵}

^{۲۳} جامعه شناسی دین ۱۷۶.

^{۲۴} همان ۱۲۳.

^{۲۵} صحیفه امام ۲، ۲۶۲.

بسا گفته شود که نظریات جامعه شناسان ناظر به سوگواری پیوسته میان پیروان یک مذهب است نه سوگواری مشترک میان پیروان دو مذهب. از این رو، برفرض برگزاری چنین آیینی کارکرد مذهبی خاصش را نمی توان از این گونه سوگواری ها انتظار داشت. در پاسخ باید گفت: وقت پیروان دو مذهب به یک مراسم باور و پایبندی دارند، این مراسم نزد آنان مانند آیین خاص مذهب خودشان تلقی می شود و همان کارکردها را داراست. زیرا هریک به این مراسم باور و پایبندی دارند یا ندارند؟ اگر دارند چه تفاوتی میان باور مذهبی خاص خودشان با این باور خاص وجود دارد؟ اگر باور نداشتند که هرگز مراسم را برگزار نمی کردند. با لحاظ اکثریت پیروان حنفی در افغانستان احتمال تقیه هم نمی رود تا گفته شود آنان از این جهت در عزای نوه ای رسول خدا(ص) شرکت کرده اند نه بر اساس باور درونی.

الف - تأثیر نظری

۱. تولید فرهنگ وحدت گرا

وحدت ملی به پشتوانه های علمی نیاز دارد که باید در مکانهای آموزشی در مقطع های گوناگون، رسمی تدریس شود. یکی از برترین دانشگاه های عمومی که مبانی نظری، زمینه ها، مؤلفه ها، چالشها، آسیب ها و راهکارهای وحدت ملی در آن تبیین می شود، سوگواری امام حسین(ع) است. «درواقع، تشریفات دینی، هر قدر هم که کم اهمیت باشند، اجتماع را به حرکت در می آورند؛ گروه هایی از مردم برای برگزاری این جشن ها گرد هم می آیند. پس، نخستین اثر آنها این است که افراد را به هم نزدیک می کنند، بر تماس های شان با یکدیگر می افزایند و صمیمیت بیشتری بین شان ایجاد می کنند. محتوای آگاهی افراد از همین رهگذر تغییر می کند».^{۲۶}

برهان الدین ربانی، مفهوم سوگواری را نه یک موضوع عاطفی که بستر یاد گیری مؤلفه های دینی و انسانی می داند. وی با طرح این پرسش که «مفهوم عاشورا چیست؟» در پاسخ، شعری از علامه بلخی را شاهد می آورد. «تأسیس کربلا نه فقط بهر ماتم است / دانش سرای مکتب اولاد آدم است / از خیمه گاه سوخته تا ساحل فرات / تعلیم گاه رهبر خلق دو عالم است».^{۲۷} وی پس از آن این جمله ها را تفسیر می کند. «عاشورا برای مسلمانان تنها یک خاطره عاطفی و ماتم نیست، بلکه یک

^{۲۶} صور بنیانی حیات دینی ۴۸۱.

^{۲۷} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۱۴.

دانشگاه است. درس احساس، درس اخلاق، درس وفا، درس شجاعت، درس عدالت گستری و درس مبارزه با فساد و استبداد و نظام های فاسد را باید از آن بیاموزیم».^{۲۸} برگرفتن درس از دانشگاه عاشورا، دیگر کارکرد سوگواری را نفی یا محدود نمی کند. چنانکه برخی جامعه شناسان بر مناسک دینی غیر اسلامی اشکال کرده اند: «وانگهی، گفتن اینکه دین کارش اساساً حفظ نظم اجتماعی است، عملکرد دین را بسیار محدود جلوه می دهد. بدیهی است که بیشتر سنتهای مذهبی بانظم و هماهنگی در امور بشر سروکار داشته اند. اما از این واقعیت چنین بر نمی آید که دین کارش تنها همین است».^{۲۹}

یکی از بزرگترین درس امروز عزاداری ها همبستگی اجتماعی، وحدت ملی و پرهیز از اختلاف ملی است؛ اختلافی که پس از سی سال هنوز مزه ی تلخش از کام ملت افغانستان پاک نشده است و همچنان رسوب هایش با تحریک بیگانگان و خودبیهای نادان، جریان وحدت را با اشکال روبرو می کند. «باید در اندوه آل پیامبر خدا(ص) گریست و در ماتم فرزندان فاطمه الزهرا سوگواری بود. اما هرکاری را باید با رعایت موازین شریعت اسلامی تنظیم کرد. مهمتر از همه باید از مکتب عاشورا هرروز درسهای نو آموخت و در زندگی پیاده نمود».^{۳۰} در سوگواری امام حسین(ع) فرهنگ وحدت ملی تولید می شود و اندیشه های مردم نسبت به همزیستی مسالمت آمیز می بالد و می گسترند.

۲. گسترش مشترکات دینی

سوگواری حکم مستحب دینی است که برای نزدیکی بنده به پروردگار و دوری از معصیت تشریح شده است. به هر میزان که بنده به خدا نزدیک شود از خود و منیت های شیطانی دور می شود. دور شدن از خود مساوی است با دیگران خواهی و کاهش تنش در جامعه. پیشوایان شیعه نیز هدف از سوگواری را زنده کردن و گسترش و تعمیق دین دانسته اند. امام صادق به یکی از اصحابش گفت: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْيَاهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا، يَا فُضَيْلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ، فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ؛ برآستی دوست دارم چنین جلساتی را، پس امر ما (جوهر و آموزه های دینی) را احیا کنید. رحمت خدا باد بر کسی

^{۲۸} همان.

^{۲۹} جامعه شناسی دین ۲۰۱.

^{۳۰} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۲۸.

که امر ما را زنده کند، ای فضیله! هر که ما را یاد کند یا ما نزدش یاد شویم و در نتیجه از چشمش به قدر بال پشه‌ای اشک بیرون آید، خداوند گناهایش را ببامزد».^{۳۱}

گناهان گنهکار، در ظرف عمل و کردارش می‌ریزد نه در عالم تخیل و ادعای تنها. از این رو، چنین حدیث‌های را باید با این رویکرد بررسی و معنی کرد نه بایک اشک ریختن تنها بدون عمل.

عطا محمد نور، هم سوگواری را پاسداری از دین و گسترش و تعمیق دینداری می‌داند: «از قیام امام بزرگ حسین و شهدای کربلا به درستی درس گرفته شود و آموزه‌های این مکتب سترگ، برای همیشه سرمشق مسلمانان باشد. تنها در همین صورت است که ما از حقیقت عزت اقتدار و عظمت اسلام و مسلمانان پاسداری کرده می‌توانیم و بس».^{۳۲}

همانگونه که روزه و نماز و حج مقرب بنده به خدا و مبعود وی از معصیت است، سوگواری هم این ویژگی را دارد. افزون بر این، سوگواری بیانگر مهرورزی مسلمانان به خاندان پیامبر خدا(ص) است و مشارکت در مصیبت آنان. عبدالرحمان رحمانی می‌گوید: «یگانه چیزی که مظهر وحدت باشد، محبت اهل بیت و محبت پیروی از سنت اهل بیت است. اگر ما سنت اهل بیت را در خانواده، در اداره و کشور و سرزمین خود پیاده نکنیم دچار هیچ مشکلی نخواهیم شد».^{۳۳}

حساسیت‌های مذهبی به مسائلی گفته می‌شود که نقطه‌های جدا کننده مذاهب اسلامی از یکدیگراند. چه مسائل بنیادین باشد مانند رهبری جامعه و چه مسائل فرعی مانند اختلاف روش در وضوء یا نماز گزاردن. در سوگواری مشترک، همه می‌کوشند از مشترکات بگویند نه افتراقات. یونس قانونی، سوگواری را کاهش دهنده حساسیت‌های مذهبی می‌داند. «یکی از دستاوردهای بسیار مهم مردم افغانستان بعد از سقوط طالبان، کاهش حساسیت‌های مذهبی در این کشور میان پیروان دو مذهب تشیع و تسنن و همزیستی مسالمت آمیز میان آنها در کنار یکدیگر بوده است به گونه‌ای که از این نظر بدون تردید، امروز افغانستان میان تمام کشورهای اسلامی الگو و نمونه‌ای برای وحدت و همدلی بوده و هست. خوشبختانه پیروان هر دو مذهب، عملاً بسوی تقرب

^{۳۱} وسائل الشیعه، ۱۰، ص ۳۹۲.

^{۳۲} راهکار های عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۲۵.

^{۳۳} همان ۱۳۳.

مذاهب اسلامی گام‌های مؤثری برداشته اند. روابط حسنه میان پیروان دو مذهب و میان اقشار مختلف مردم، نوید بخش فردای عزت بخش برای ملت مسلمان افغانستان است.^{۳۴}

وی ادامه می‌دهد. «شرکت در محافل مذهبی همدیگر، عزاداری‌های محرم، تجلیل از عاشورای حسینی به صورت مشترک، ایجاد شورای اخوت اسلامی و ... از نمونه‌های برجسته برای وحدت و همسویی میان این دو مذهب در کشور است که تحسین دلسوزان به اسلام و نیز حسادت بد خواهان را برانگیخته است».^{۳۵}

می‌توان اشکال کرد که: این گونه سوگواری‌ها واکنش به شرایط اجتماعی خاص افغانستان است که مردم بعد از سی سال اختلاف، از هر وسیله‌ی برای وحدت ملی استفاده می‌کنند. چه سوگواری امام حسین (ع) باشد یا دیگر مراسم و آیین‌های که بتواند همدلی ایجاد کند. «بیشتر بدعت‌های مذهبی در واقع واکنشهایی به شرایط اجتماعی موجود بوده اند و در صدد آن نبوده اند که جامعه موجود را منسجم و یکپارچه سازند».^{۳۶}

در پاسخ باید گفت: سوگواری ظرفیت ایجاد، گسترش و تعمیق وحدت ملی را در هر زمانی داراست. از این رو، پدید آمدن شرایط خاص، دلیل بر کارکرد سوگواری نیست. سوگواری زمان آرامش یک کارکرد دارد و زمان اختلاف چندین کارکرد. حرکت به سمت یکپارچگی زمان اختلاف ضروری تر از دیگر زمانهاست. «این که دین جامعه را یک پارچه می‌سازد، دال بر این ادعا نیست که یکپارچگی ضرورتاً خوب یا خوشایند است، بلکه بیان این واقعیت است که دین چنین کاری را انجام می‌دهد».^{۳۷} در هر شرایط که باشد.

۹۹٪ مردم ما مسلمان‌اند و برای حفظ، گسترش و تعمیق دین، با متجاوزان انگلیس و شوروی و مزدوران داخلی آنان سالها جنگ‌دیدند و کمونیسم را در موزه‌های تاریخ سپردند. هر شخص و پدیده‌ی که با دین بستیزد، بیگانه باشد یا خودی از هر قوم و مذهبی که باشد، وحدت ملی را به اختلاف ملی تبدیل می‌کند؛ چنانکه احزاب خلق و پرچم و دیگر احزاب اسلامی برای رسیدن به قدرت همین کار را کردند. برعکس یکی از کارکردهای مناسب مذهبی حفظ، گسترش و تعمیق

^{۳۴} همان ۱۱۷.

^{۳۵} همان ۱۱۷.

^{۳۶} جامعه شناسی دین ۲۰۸.

^{۳۷} همان ۲۰۹.

دین است و به پیروی از این مهم، وحدت ملی شکل می گیرد، می گسترند و ژرفنا می گیرد. وقتی نگاه دینداری مردم تغییر کند و در تعامل با دیگران تعریف شود نه در تقابل، تنش های مذهبی اندک می شود و تحمل مذهبی بیشتر. به میزانی که مذهب مخالف به رسمیت شناخته شود، مذهب موافق رسمیت بیشتری پیدا می کند و به تبع اختلاف مذهبی کمتر می شود و به پیروی از آن وحدت ملی گسترش می یابد.

۳. تعمیق اخلاق اجتماعی

بنیان سوگواری ها بر پایه ارزشهای خدایی فراتر از خاک، خون و افراد استوار است که به این مناسک اهمیت بخشیده است و آن را از مراسم های زود گذر فصلی، قومی و ملی ممتاز نموده است. بدین سان، «جامعه، اجتماع یا گروه با این وسیله ارزشها و اصول اساسی اش را حمایت می کند و سامان اخلاقی اش را حفظ».^{۳۸}

میزان کارکرد اخلاق در خانواده، دوستان و محیط کاری، آشکار است اما بالندگی ملاکها، آموزه های اخلاقی و گسترش فعل اخلاقی دیگر دوستی، نیاز به انجام دستورات دینی دارد که عزاداری یکی از آن موارد به شمار می رود. «آنها (مناسک) برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری اند که خوراک برای نگهداشت زندگی جسمانی ما ضرورت دارد، زیرا از طریق همین مناسک است که گروه خود را تایید و حفظ می کند».^{۳۹} تنها دانستن حسن و قبح برای سعادت کفایت نمی کند بلکه تنظیم رفتار در همین چهارچوبه، انسان را خوشبخت می کند. یکی از رفتارهای اخلاقی دیگر دوستی و برخورد مسالمت آمیز در جامعه است که به پیروی از آن وحدت و همبستگی شکل می گیرد. بنابراین، «از طریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می شوند. حس وابستگی به یک قدرت خارجی و روحانی و اخلاقی را تشدید می نماید».^{۴۰}

هر فعل اخلاقی در تاریخ الگوهای دینی مشخصی دارد که رسول خدا برترین الگوی کرداری،

^{۳۸} جامعه شناسی دین ۲۲۶.

^{۳۹} جامعه شناسی دین ۱۷۹.

^{۴۰} جامعه شناسی دین ۱۷۷.

گفتاری و پنداری مسلمانان، در قلمرو اخلاق و دیگر ساحه های زندگی است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» آن حضرت نسبت به کفار سخت گیر و نسبت به مسلمانان مهرورز بودند. به گفته یکی از سیاستمداران ما که «مردم آزاده‌ی ما اخلاف همان احرارند که در سه دهه، دو بار با جهاد و مقاومت جانانه شان بر ابوجهل‌ها و یزیدها فایق آمدند و در کربلای افغانستان سه عاشورا را تجربه کردند».^{۴۱}

«آنچه از همه مهم‌تر و اساسی‌تر است این است که افراد باهم باشند و احساسات شان به صورت جمعی بروز کند و برای نشان دادن این احساسات از اعمال مشترکی کمک بگیرند؛ ولی این که سرشت خاص این احساسات و اعمال چیست دیگر امری به نسبت فرعی و پیشاینده است. پس همه چیز به گونه‌ای است که ما را به یک فکر بر می‌گرداند، و آن فکر این است که مناسک، قبل از هرچیز، وسایلی هستند که گروه اجتماعی به کمک آنها وجود خود را هر از چند گاه یک بار تثبیت می‌کند».^{۴۲} تثبیت هویت افغانی و پذیرش تعدد اندیشه، مذهب و قوم، پس از چند سال جنگ‌های داخلی با سوگواری امام حسین(ع) در سایه‌ای همبستگی و وحدت ملی به آسانی مقدور است؛ حرکتی که با هزینه‌های نجومی دولت، احزاب و افراد به آسانی میسر نخواهد بود. جامعه شناسان بدین باور اند که «دین به انسان در شناخت خودش کمک می‌کند و باعث می‌شود که او احساس هویت کند».^{۴۳} این احساس هویت، همان گونه که از طریق فروعات دینی مانند نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌آید، با مراسم مذهبی و عزاداری‌ها که جنبه عینی دارند نیز به دست می‌آید. هویت ملی یکی از مهمترین هویت‌های افراد است که در برخورد با افراد دیگر کشورها به روشنی دیده می‌شود.

چه هویت سنتی باشد یا مدرن. به همان میزان که جامعه‌های سنتی به هویت نیاز دارند، جامعه‌های مدرن هم برای هماهنگی و یکپارچگی شان به هویت ثابت نیاز دارند. هویتی که با انجام هر بار مناسک مذهبی و عزاداری‌های سالانه شیعی و سنی به دست می‌آید. از این رو، «جوامع مدرن نیز برای حفظ انسجام و اتحاد خود نیاز مند مناسک هستند که ارزش‌های آن‌ها را

^{۴۱} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۲۶.

^{۴۲} صور بنیانی حیات دینی ۵۳۴.

^{۴۳} جامعه شناسی دین ۲۱۱.

از نو تحکیم و تثبیت کند.^{۴۴} البته هویت انسانی نه حیوانی، خدایی نه خونی، ارزشی نه ضد ارزشی.

ژرفایی اخلاق اجتماعی، هم پذیری و پرهیز از گوشه گیری را امام کاظم (ع) یکی از کارکردهای عزاداری می شمارد. «هیچ چیزی ناراحت کننده تر برای شیطان و لشکرش از گرد آمدن برادران مؤمن برای خدا نیست. هنگامی که مؤمنان گرد هم می آیند و یاد خدا می کنند و آنگاه یاد فضائل ما اهل بیت (ع)، از شدت ناراحتی در صورت شیطان گوشتی نمی ماند، مگر این که ریخته می شود».^{۴۵} قدر متیقن از گرد آمدن همان جلسات عزاداری اهل بیت (ع) است که سوگواری امام حسین (ع) مصداق کامل آن به شمار می رود. هر چند جلسات دیگری که برای خدا برپا شود و در آن گوهر دین، هسته‌ی دین یا پوسته‌ی دین باز گو شود، می توانند مصداق جلسه‌های مؤمنان شمرده شوند.

مراد از شیطان یا فرشته رانده شده معروف الهی است که تا روز واپسین بنی آدم را گمراه می سازد. یا شیطان درونی و هواهای نفسانی انسان مقصود است که جز ستیز و دشمنی و کینه از آن بر نمی خیزد؛ یا منظور شیطان بیرونی است که دشمنان دین و مسلمانان هستند؛ یا هر سه. در هر صورت، سوگواری مؤمن را بر تمامی شیطان‌ها پیروز می کند و زمینه‌های اختلاف را از بین می برد و نهال اخلاق و دوستی می نشاند تا کام دل و جان بر آرد.

۴. وحدت سیاسی

برخی عقیده دارند که: «هیچ یک از رابطه‌های معنوی که امروز میان مسلمانان وجود دارد، تأثیری مانند برپایی عزاداری برای امام حسین (ع) در دلها و نفوس آنان ندارد. هرگاه تا دو قرن اخیر این عزاداری‌ها میان مسلمانان گسترش و عمق یابد و همگانی شود، به حتم میان آنان یک زندگی مشترک سیاسی جدید پیدا می شود... میان فرقه‌های اسلامی کسی دیده نمی شود که ذکر مصائب حسین را انکار کند و بدین جهت از دین بیزاری جوید».^{۴۶} سوگواری اصل دین را نگه می دارد، می گستراند و عمق می دهد. از سویی هم، بینش سیاسی مسلمانان را بالا می برد و با حفظ ویژگیهای اختصاصی مذهب، نقاط اشتراکی دین را تبلیغ و ترویج می کند تا مسلمانان در برابر

^{۴۴} جامعه شناسی گیدنز ۷۷۰.

^{۴۵} اصول کافی ۲، باب تذکره الاخوان ص ۱۸۷ ح ۷.

^{۴۶} تاریخچه عزاداری امام حسین (ع) ۲۸۰.

دیگران هویت جداگانه و تثبیت شده داشته باشند.

ایجاد حس سیاسی در جامعه و سرنگون کردن یک نظام سیاسی و حاکمان خود کامه، یکی از کارکردهای سیاسی عزاداری است که می توان در سطوح گوناگون جامعه از آن بهره برد و امت اسلامی را در برابر دیگران یکپارچه کرد تا منافع کلان امت اسلامی، تأمین شود. «ماربین» مورخ آلمانی می گوید: «هیچ چیز مانند عزاداری حسین نتوانست حس سیاسی در مسلمانان ایجاد کند».^{۴۷}

با تبلیغات دشمن و سهل انگاری خودی ها، بسا افتخارات زرین یک ملت فراموش گردد یا اندک به شمار آید. سوگواری، گذشته های درخشان را به یاد می آورد و بالنده می کند. «خاطره های پر افتخاری که در برابر چشمان شان دوباره جان می گیرند و افراد خود را با آنها همبسته می یابند به آنان احساسی از نیرومندی و اعتماد می دهند: آدمی هنگامی که می بیند ایمانی که در وجود او هست به چه گذشته ی دور دستی بر می گردد و یادآور چه چیزهای گرانبغی است، اطمینان بیشتری در خود احساس می کند. آموزندگی مراسم از همین خصلت آن سرچشمه می گیرد. تمامی مراسم برای آن است که بروجدانها، و فقط بر وجدانها، تأثیر بگذارد».^{۴۸}

قرآن از یکسو، گذشته پرنفاق و لبریز از اختلاف مردم را به یاد شان می آورد که خون را باخون می شستند: «ذکتم اعداء؛ یعنی جامعه اگر همواره در حال ستیز و کینه جویی می ماندند، بی تردید سقوط می کردند؛ زیرا خرد انسان حکم کند که اگر کسی در لبه پرتگاه قرار گیرد، هنگام درگیری به حتم میانش می افتد. «وکتتم علی شفا حفرة من النار».^{۴۹} از دیگر سو، نعمتی که اسلام برای شان آورد و آنان را همدل، همصدا و هم رأی نمود، به یاد می آورد. واذکروا نعمت الله علیکم. مراد از نعمت همان نعمت برادری و همبستگی اجتماعی است. به تصریح قسمت بعدی آیه: فاصبحتم بنعمته اخوانا.

سوگواری نیز، بستر هم اندیشی میان نخبگان و مردم را می گستراند و عمق می بخشد. اندیشمندان شیعی و سنی روز عاشورا مبانی نظری وحدت ملی را طرح می کنند؛ زمینه های آن را میان مردم

^{۴۷} سياسة الحسینیة ۴۴.

^{۴۸} صور بنیانی حیات دینی ۵۱۹.

^{۴۹} تفسیر المیزان ۳، ۳۷۱.

در تاریخ افغانستان بر می شمارند، مؤلفه های گوناگونش را بر می شمارند، چالشهای فراروی و راهکار عملی وحدت ملی را باز می گویند. آماده سازی خودجوش این بستر، بدون دستور دیگران و با هزینه مردمی و با قصد تقرب به پروردگار، از بی مانندترین زمینه های وحدت ملی به شمار می رود که برنامه های اختلاف انگیز دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت دشمنان مردم افغانستان را آشکار ساخته و ختنی می سازد.

کرزی، ناکامی دشمنان دین و مردم افغانستان را معلول عزاداری می داند. زیرا «در سوگواری توطئه دشمنان دین و وطن برملا شده نا کام می ماند». ^{۵۰} برهان الدین ربانی، نیز دفع فتنه های دشمنان مردم افغانستان را معلول سوگواری معرفی می کند. «من یقین دارم که با تشکیل چنین اجتماعات از علمای اهل سنت و برادران شیعه برای تقویت ارزش های دینی، وحدت و برادری با هم همکاری می نمایند. این فتنه ها دفع و وحدت و برادری در جامعه حکم فرما خواهد شد». ^{۵۱} آیت الله محسنی هم دست های پیدا و پنهان دشمنان مردم افغانستان را پشت سر علمای ساده اندیش دومازدهب به یاد می آورد و برگزاری عزاداری را آیین مشترک شیعه و سنی می داند، نه خصوص یک مذهب. «این جنگ در تاریکی به یکعه از مردم عوام ما حتی طلاب علوم ابتدایی ما باورانده شده که شیعه دشمن صحابه است. سنی دشمن اهل بیت اند، قابل جمع نیست. علمای شیعه و سنی عاشورا (ی حسینی) را مشترکاً تجلیل می کنند. روایت های که در کتاب احادیث اهل سنت است و از طریق صحابه روایت شده بهتر از روایات شیعه در باره اهل بیت صحبت شده است». ^{۵۲}

وقتی زمینه های وحدت می گسترند سعادت و مصالح جامعه پس از آن می روید و مفاصد که این جمع را تهدید می کند، کم می شود یا از بین می رود. «به نقل از ابو حمزه، از امام باقر، پس از آنکه آیه «ما فرستادگانمان را و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و روزی که شاهدان بر می خیزند، یاری می کنیم» ^{۵۳} را تلاوت کرد، فرمود: حسین بن علی (ع) از آنهاست. به خدا سوگند! گریه شما بر حسین و باز گویی ماجرای که برایشان گذشت، و زیارت قبر ایشان، پیروزی برای

^{۵۰} راهکار های عملی اخوت اسلامی در افغانستان. ۲۷.

^{۵۱} همان ۴۹.

^{۵۲} همان ۵۶.

^{۵۳} سوره غافر ۵۱.

شما در دنیا است. پس مزده بر شما که با او، در کنار پیامبر خدا(ص) خدا خواهید بود».^{۵۴}

سوگواری همانگونه که دوستی خاندان پیامبر خدا(ص) را افزایش می دهد، هویت و میزان دشمنان اهل بیت را هم در این زمان مشخص می کند. دشمنان که زهرشان را به دسته جات عزاداران نوه ای رسول خدا می ریزند. نوه ای که پیام آور خدا(ص) بارها فضائلش را میان امت اسلامی باز گفت: «حسین منی و أنا من حسین. حسین باب من أبواب الجنّة. إنّ الحسین بن علیّ فی السموات أعظم ممّا هو فی الأرض. اسمه مكتوب عن یمین العرش: إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاء و العروة الوثقی؛ حسین از من است و من از حسینم. حسین در یست از درهای بهشت. هان! حسین فرزند علی در آسمانها باشکوه تر است از آنچه در زمین شناخته می شود. نام حسین در سمت راست عرش این گونه نوشته شده است: هان! حسین چراغ هدایت، کشتی رهایی و ریسمان ناگسست الاهی است».^{۵۵}

برهان الدین ربانی، حمله به دسته های سوگوار را از کاستی های ایمان می داند که باید برای رفع دست از دشمنی خاندان پیامبر خدا(ص) بردارد. «متأسفانه بعضی از کشورهای اسلامی ما در آن روز که مسلمانها باید رمز وحدت و برادری داشته باشند، بالای بعضی قافله ها و دسته های عزادار حمله صورت می گیرد، بالای بعضی حسینها حمله صورت می گیرد. این کمال دوری از ارزش های دینی است که مسلمانها در این روز بجای اینکه بیشتر بهم فشرده شوند به چنین اعمالی دست می زنند. آیا امام حسین(رض) مربوط یک طایفه مسلمانهاست؟ حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: که من حسین را دوست دارم، خدایا تو حسین را دوست داشته باش و کسی که حسین را دوست دارد او را دوست داشته باش. پس مگر اهل بیت پیامبر خدا(ص) که خداوند می فرماید: انما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً همه ای ما از هر فرقه ای که هستیم همه بجان و دل حضرت امام حسین(ع) را دوست داریم. کسی که حضرت حسین را دوست ندارد، متوجه این بوده باشد که حتماً در ایمانش خلل است».^{۵۶}

ب - تأثیر عملی

۱. دیگر خواهی افراد

^{۵۴} شهادت نامه امام حسین(ع) ۹۲۹؛ به نقل از فضل زیاره الحسین ص ۴۸ ح ۲۵.

^{۵۵} مشیر الاحزان ۴.

^{۵۶} راهکارهای اخوت اسلامی در افغانستان ۱۱۵.

انسان عزادار در چشمه سار عزای نوه‌ای رسول خدا، فضای ذهن و اندیشه و روح و خردش را شستشو می‌دهد، آنگاه سبکبال از خواسته‌ها «من طبیعی» فراتر می‌رود و با گذار از «قوم» به «امت» و از آن به «ارزشهای دینی» و «کرامت انسانی» و «خدای یکتا» می‌رسد. گسست از اختلاف و پیوست به وحدت حقیقی فرآیند تکامل فردی است که در عزاداریها با زمینه سازی مناسب پدید می‌آید.

زمینه‌ای که مراسم دینی برای ابراز هویت فردی و جمعی فراهم می‌کند، از ثبات و دوام برخوردار است؛ زیرا مبنای مناسک که خود دین با شد حالت ازلیت، ابدیت و جاودانگی را در گوهر، هسته و پوسته اش، تا روز واپسین داراست. «دین از طریق آیین‌ها و مراسم، امنیت عاطفی و هویت و نقطه اتکای ثابتی در بحبوحه ناسازگاری‌های آرام و عقاید برای انسان به بار می‌آورد. این همان کارکرد کشتی دین است و آموزش آموزه‌های مذهبی و اجرای مراسم مذهبی را در بر می‌گیرد».^{۵۷} این بحرانها و ناسازگاریهای بشری می‌تواند نسبت به خودش باشد یا نسبت به خدا یا جامعه و خانواده اش یا طبیعت که در آن زندگی می‌کند و یا تمام آنها هر کدام با اولویت که دارند. «صرف این که همه باهم می‌گیرند ثابت می‌کند که همه به هم علاقه‌مند هستند و اجتماع، به رغم ضربه‌ای که بر آن وارد شده، هنوز انسجام خود را از دست نداده و همچنان به قوت خود باقی است».^{۵۸}

درد دیگر ما این است که پیوند مصالح و مفاسد با منافع و مضار جامعه و افراد به خوبی درک نمی‌شود. از این رو، همواره یکی در برابر دیگری قرار می‌گیرد، در حالی که اگر مصالح کلی جامعه تأمین شود، بی تردید منافع شخصی هم در پرتو آن تأمین می‌شود. آری «دین بیان باورداشتهای همگانی از طریق مناسک دسته جمعی، دلبستگی افراد را به هدفهای گروهی تشدید می‌کند. دین عزم افراد را به رعایت هنجارهای گروهی تقویت می‌کند و این هنجار را بالاتر از منافع صرفاً خصوصی قرار می‌دهد».^{۵۹} تمام مشکلات یک جامعه از همین نقطه آغاز می‌شود که مردم به جای مصالح جمعی به فکر منافع فردی اند و از دایره خواست شخصی فراتر نمی‌روند.

^{۵۷} جامعه شناسی دین ۲۰۷.

^{۵۸} صور بنیانی حیات دینی ۵۵۵.

^{۵۹} جامعه شناسی دین ۲۰۳.

یکی از ارزش‌های عاشورا که در سوگواری‌ها بازگو می‌شود، از خود گذشته‌ی امام حسین (ع) اصحاب و خانواده‌اش برای خدا و حفظ امت اسلامی از کزراهه و ناهنجاری بود که در کربلا به برترین شکل تجلی یافت. مردم ما امروز با الهام از عاشورا، می‌تواند در برابر هموطنانشان از خواسته‌های کوچک برای حفظ منافع و مصالح ملی بگذرد تا وحدت ملی شکل گیرد. همانگونه که در گذشته برابر بیگانگان، از خودگذشتگی نشان دادند و همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را به نمایش گذاردند. بی‌تردید، گذشت نه یک طرفه است و نه از ستم دیدگان و نه توجیه برای قدرتمندتر شدن گروهی و رانده شدن گروهی دیگر از قدرت، بلکه فرهنگ همگانی است که بیشتر قدرت حاکم و جامعه وابسته به آن در برابر مردم و ستم دیدگان، پایبندی نشان دهند.

حامدکرزی، الهام‌گیری از عنصر فداکاری امام حسین (ع) را برای ایجاد، گسترش و تعمیق صلح در افغانستان یکی از راهکارهای عملی وحدت ملی می‌داند: «ایثار و فداکاری نواده رسول اکرم (ص) نه تنها اسلام و راه و روش محمدی را نجات داد، بلکه از خون معطرش قرن‌ها و نسل‌ها تا امروز موج‌های مقاومت، ایثار و جوانمردی و صلح‌خواهی ایجاد شد».^{۶۰} این گفتار نیکوست در صورتی که کردار گوینده برخلاف آن نباشد. مردم افغانستان عملکرد عادلانه یا ظالمانه‌ی کرزی را در دو دور ریاست جمهوری‌اش به روشنی دیدند و میزان پایبندی‌اش را به وحدت ملی در عمل شناختند که تبیین و تحلیلش را باید در جای دیگر جست.

عزاداری سالار شهیدان، اگر با نگرش دینی و انسانی تبیین گردد، بی‌تردید، وحدت ملی و همبستگی می‌آورد و اگر با نگرش سطحی و افراطی‌گری فرقه‌ای بیان شود، اختلاف ملی و گسستگی پدید می‌آورد. زیرا؛ مناسک دینی به پیروی از خود «دین می‌تواند افراد را چنان وابسته گروه سازد که کشمکش با گروه‌های دیگر تشدید گردد و از سازگاری با گروه‌های دیگر جلوگیری نماید».^{۶۱}

برخی جامعه‌شناسان نیز بر همین باور اند که مناسک دینی نه تنها افراد که تمام جامعه را بر می‌انگیزد. این کار از عهده‌ای نخبه‌گان، سیاستمداران و دولت مردان بر نمی‌آید که آسان و سریع

^{۶۰} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۲۰.

^{۶۱} جامعه‌شناسی دین ۱۸۵

و بدون هزینه دل‌های افراد گوناگون را بهم متصل کنند و میان آنها این گونه هماهنگی طبیعی ایجاد کند. «دین یگانگی افراد جامعه را با اعضای دیگر تقویت می‌کند و جدایی آنها را از اعضای قبایل، اجتماعات یا ملت‌های دیگر تشدید می‌کند».^{۶۲}

آری «در این لحظات، احساس به هم نزدیک تر شدن و هم‌ذات شدن با یکدیگر را دارند؛ دیده می‌شود که به هم چسبیده اند و چنان در هم تنیده اند که گویی یک تن واحد هستند که ناله‌های پرسروصدا از آن برمی‌خیزد».^{۶۳}

امام صادق فرمود: «تزاو روا فین فی زیارتکم إحياء لقلوبکم و ذکرأ لأحاديثنا و أحاديثنا تعطف بعضکم علی بعض؛ فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ضللتهم و هلکتهم فخذوا بها و أنا بنجا تکم زعیم؛ از همدیگر باز دید کنید؛ زیرا در باز دیده‌های شما از یکدیگر، دل‌هایتان زنده می‌شود و احادیث ما به یاد می‌آید. احادیثی که یاد آوری‌اش، مهر برخی را به برخی دیگر بر می‌انگیزد. آنگاه اگر به این احادیث ما عمل کردید، اصلاح می‌شوید و نجات می‌یابید و اگر احادیث ما را و نهادید گمراه می‌شوید و نابود. بنابراین، احادیث ما را بگیرید که من رهایی شما را ضمانت می‌کنم».^{۶۴}

در سوگواریها عاطفه، خرد و ذهن و اندیشه انسانهای شرکت کننده باهم گره می‌خورند و پیوندهای نو فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و اجتماعی پدید می‌آید، می‌گسترند و عمق می‌گیرند. وحدت ملی یکی از زیر مجموعه‌های پیوندهای یاد شده است.

افراد وقتی از گروه‌های گوناگون قومی، صنفی و طبقاتی در یک مراسم مشترک دینی جمع می‌شوند که همه به آن احساس تعلق درونی و فکری دارند، شادی و خرسندی همه شرکت کنندگان را فرا می‌گیرد. زیرا شکافهای قومی و طبقاتی که آنان را از هم دور می‌کرد اکنون نزدیک تر به نظر می‌رسد. دشمنی که ترس و نگرانی همیشگی را به وجود می‌آورد تبدیل به دوستی می‌شود. بدین سان، «شرکت کنندگان در مناسک غالباً بر این باور اند که مناسک وضعیت خو شایندی را به ارمغان می‌آورد و یا از یک وضعیت ناخوشایند جلوگیری می‌کند. از آنجا که

^{۶۲} جامعه شناسی دین ۲۰۳.

^{۶۳} صور بنیانی حیات دینی ۵۴۰.

^{۶۴} اصول کافی ج ۲، باب تذکره الاخوان، ص ۱۸۶ ح ۲.

این مناسک احساس عمیقی از سرخوشی و بهروزی را به ارمغان می‌آورد، این اطمینان را به بار می‌آورد که مقصود از این مناسک تحقق یافته است.^{۶۵}

چون همه بر این باوراند که «دین ریشه‌ی دوگانه دارد، زیرا هم نیازهای فردی و هم نیازهای گروهی را برآورده می‌سازد. دین بیشتر از طریق کارکردهایی که برای افراد جامعه دارد، نیازهای گروهی را برآورده می‌سازد»^{۶۶} گروههای اجتماعی یکی از خواست‌های اساسی شان همبستگی اجتماعی‌اند که در سوگواری‌ها تأمین می‌شود. وقتی افراد خود را نه تنها جدای از گروه که وابسته به جامعه بدانند، در پندار، گفتار و کردارش نسبت به دیگران شیوه‌ای همزیستی و تعامل متقابل را پیش می‌گیرد نه تقابل و گسست را. این دگرگونی اندیشه خود به خود دیگر خواهی را در جان انسان نیرو مندتر می‌کند که نتیجه اش همبستگی افراد و آنگاه جامعه و در سطح کلان وحدت ملی است.

۲. همبستگی اجتماعی

جامعه ترکیب اعتباری است از اجزای گوناگون که هر جزئی به تنهایی هویت و کارکرد جداگانه‌ی دارد. اجزای که در ذات خود، در ساختار ترکیب نمی‌گنجد عبارتند از: افتراقات مذهب، نژاد، زبان و فرهنگ خاص. اجزای که ترکیب حقیقی را می‌پذیرند عبارتند از: اشتراکات دینی، مصالح و منافع ملی، سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، دشمن مشترک و ساختار حکومتی مشترک. کارکرد صحیح درونی اجزاء مرکب چه حقیقی یا اعتباری زمانی مقدور است که افتراقات مذهبی و قومی به رسمیت شناخته شود و اشتراکات گسترش و تعمیق یابد. نادیده گرفتن یکی و بزرگ نمایی دیگری هم کارکرد کل نظام را کند و گاهی مختل می‌کند و هم کارکرد اجزاء ریز درون نظام را نسبت به خود اجزاء نه کل ترکیبی. از این رو، شکل‌گیری وحدت ملی به رسمیت شناختن ویژگیهای اختصاصی و تقویت اشتراکات کلی مقدور است. هرگاه وحدت ملی با فشار بیرونی یا رضایت درونی یا ترکیب این دو، ایجاد شود، نیاز به گسترش و تعمیق دارد و گرنه به آسانی کل این مجموعه یا ارکانش آسیب می‌بیند. سوگواری بستر این همدلی را می‌گستراند اما «حفظ این دستاورد ارزشمند و تاریخی نیاز به هو شیاری و

^{۶۵} جامعه شناسی دین ۱۷۸.

^{۶۶} جامعه شناسی دین ۲۰۷.

بیداری علما، نویسنده‌گان، روشنفکران و پیروان این دو مذهب و نیز بستگی به درایت مسؤلان کشور دارد که زمینه‌های اختلاف را از بین برده و فرصت ظهور و بروز مسایل اختلاف انگیز را از دشمنان ملت بگیرند. زیرا دست‌های در کارند تا این وحدت و همدلی میان این دو مذهب را در افغانستان خدشه دار سازند.^{۶۷}

چنانچه امام حسین (ع) را یکی از مصداق اهل بیت مطهر، نواده‌ی رسول خدا، دانشمند اسلامی و صحابی آن حضرت بدانیم، سوگواری به نقطه‌ی اشتراکی می‌رسد، با حفظ نقطه‌ی اختلافی میان باور شیعی که قایل به عصمت و خلافت آن حضرت اند.

ملا تاج محمد، تمرکز اندیشمندان افغانی را برای حفظ، گسترش و تعمیق نقاط اشتراکی در خواست می‌کند و وانهادن نقاط اختلافی. «ما در بندگی خدا، زندگی رسول الله و صحابه و اهل بیت شریک هستیم. ما در کشمکش و اختلاف مذهبی خود را مصروف نکنیم. مبارزین و دانشمندان! ما در ایام جهاد از اختلاف که داشتیم نتیجه تلخ و منفی گرفتیم. ما مؤمنانه و آگاهانه در این راه ایستاده ایم. برای برادری افغانها ضرورت داریم. برای کانونهای که ما را به اختلاف سوق می‌دهند اعلان می‌کنیم که پشیمان می‌شوند. هر کشور که در راه پراکنده کردن امت اسلامی و بروز اختلافات در راه شکستادن پیکره ملی و اسلامی می‌کوشد، به یاد داشته باشد که ما ذیلانه زندگی نمی‌کنیم».^{۶۸}

تبلیغ ویژگیهای اختصاصی اقوام و مذاهب دو صورت دارد: یکی تبلیغ درونمایه، گستره و پوسته‌ی آموزه‌های مذهبی است بدون اهانت و بی ادبی به اقوام و مذهب دیگری. دوم تبلیغ ویژگیهای خاص اقوام و مذهب با اهانت و توهین به اقوام و مذهب دیگران. آزادی صورت نخست مذهبی و قومی نه تنها به وحدت ملی آسیب نمی‌رساند که این پدیده مهم را استوار و پایدار می‌کند و بدون آزادی‌های معقول مذهبی و قومی، در فضای استبدادی، خفقان و سانسور، هرگز وحدت ملی شکل نمی‌گیرد چه رسد به گسترش و ژرفا بخشیدن. صورت دوم افزون بر آنکه وحدت ایجاد شده ناقص را از پایه ویران می‌کند، دانه‌های تلخ نفاق و اختلاف را میان جامعه می‌پراکند. آزادی این صورت تنها سود شخصی برخی افراد را تأمین می‌کند و مصالح

^{۶۷} راهکارهای عملی اخوت اسلامی ۱۱۷.

^{۶۸} همان ۷۴.

بیگانگان را. بنا براین، تبلیغ مذهب و قوم تا زمانی که مانع آزادی مذاهب و اقوام دیگر نشود، معقول و مشروع خواهد بود.

محبت اهل بیت یکی از ضروریات ایمانی هر مسلمانی به شمار می‌رود. برپایی عزاداری این نقطه اشتراکی را به یاد می‌آورد، تازه می‌کند و ابعادش را روشن می‌سازد. در چنین فضایی مسلمانان عواطف مشترکی را باهم تجربه می‌کنند و مشترکات آنان عمیق تر می‌شود و افتراقات شان کمرنگ تر.

عبدالرب رسول سیاف، کارکرد عزادای را تحکیم مشترکات شیعه و سنی می‌داند. «واقعه عاشورا یک حادثه عظیم تاریخی در جهان اسلام هست که امام حسین (ع) برای اصلاح امت انجام داد. یکی از ضروریات ایمان، محبت به پیامبر خدا (ص) اسلام و اهل آن حضرت می‌باشد».^{۶۹}

در سوگواری‌ها اگر مشترکات شیعه و سنی طرح گردد، بی گمان، زمینه شناخت، دو مذهب فراهم می‌گردد و آنگاه مشترکات به دست می‌آید و سپس وحدت ملی ایجاد می‌شود، می‌گسترده و عمق می‌یابد و اگر مسائلی اختلافی طرح گردد، اختلاف ملی پدید می‌آید. زیرا «مناسک همیشه در جهت تقویت نظم اجتماعی عمل نمی‌کند و چه بسا ممکن است در جهت عکس این قضیه حرکت کند».^{۷۰}

مهر ورزی به نوه‌ای رسول خدا، یکی دیگر از نقاط اشتراکی است که برهان الدین ربانی بدان اشاره می‌کند. «روز عاشورا مربوط به هیچ مذهبی نیست، عاشورا به هیچ گروهی بخصوص ارتباط ندارد، روز عاشورا و حضرت امام حسین (رض) مربوط به همه ما و همه مسلمانان است. لذا در سوگ حضرت امام حسین (رض) سنی و شیعه و همه مسلمانان افغانستان باهم یکجا شریک هستند و به دست‌های ناپاکی که این جنایت را مرتکب شدند همه‌ی ما نفرین می‌فرستیم و همه ما ظلم و استبداد را محکوم می‌کنیم».^{۷۱}

اشکال: مناسک همانگونه که نظم اجتماعی را ایجاد می‌کند، می‌گسترده و عمق می‌بخشد، می‌تواند نظم عمومی را بهم ریزد. «از کجا معلوم که مناسک همیشه در جهت تقویت نظم اجتماعی عمل

^{۶۹} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۲۱.

^{۷۰} جامعه شناسی دین ۲۰۰.

^{۷۱} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۴۹.

کنند و چه بسا ممکن است در جهت عکس این قضیه حرکت کنند».^{۷۲}

پاسخ: عزاداری امام حسین(ع)، اصل دین و آموزه‌های دینی را حفظ می‌کند، می‌گستراند و عمق می‌بخشد. در محبت اهل بیت و مهر ورزی به نوه‌ای رسول خدا شیعیان و سنیان اختلافی ندارند و در عزاداری مسائل دینی مشترک تحلیل و تفسیر می‌شود. بنا براین، سود این مراسم نصیب دین می‌شود نه مذهب خاص. از دیگر سو، شیوه‌های غیر معقول عزاداری زمانی مهار می‌شود که این مراسم مشترک برگزار شود و صحنه برای یک مذهب خالی نماند، تا تندروهای دو مذهب عزاداری را نفی کنند یا به بیراهه بکشانند.

سوگواری، تنها ارضای بعد عاطفی نیست، بلکه بالندگی اندیشه‌های وحدت آفرین هم بخشی از ابعاد این آیین به شمار می‌رود. برهان الدین ربانی، یکی از کارکردهای عزاداری را الهام دهی وحدت ملی می‌داند. «عاشورا برای مسلمانان موضوع عاطفی نیست، بلکه درس ایثار، عدالت خواهی، مبارزه با فساد، استبداد و نظام فاسد بود. تنها راه پیروزی مسلمانان حفظ وحدت و یکپارچگی و هوشیاری در برابر توطئه‌های بیگان می‌باشد»^{۷۳} که سوگواریها این مهم را پدید می‌آورد.

این اثر زمانی است که عزاداری به گونه‌ای صحیح برگزار شود، نه با آسیب‌های درونی و بیرونی. وگرنه تفرقه پدید می‌آید؛ زیرا مناسک دینی و «دین به همان اندازه ای که می‌تواند یک عامل منسجم کننده باشد یک نیروی تفرقه انداز نیز می‌تواند باشد. بارها پیش آمده است که اعتقادهای مذهبی به رویکرد و رفتارهای ضد اجتماعی یا اخلال گرانه انجامیده اند».^{۷۴}

نتیجه سوگواری ایجاد، حفظ، گسترش و ژرفا بخشیدن به همبستگی اجتماعی ملت‌هاست. همان ارزشی که به آسانی به دست نمی‌آید بلکه با گذار از مراحل گوناگون زندگی یک ملت برای آنان پدید می‌آید. بنابر این، هدف سوگواری امام حسین(ع) تنها «مسئله گریه نیست... مسئله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الاهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت‌ها را باهم بسیج و یکپارچه کنند، از راههای مختلف... تا آسیب پذیر نباشند».^{۷۵}

^{۷۲} جامعه شناسی دین ۲۰۰.

^{۷۳} راهکار های عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۲۱.

^{۷۴} جامعه شناسی دین ۲۰۱

^{۷۵} صحیفه نور ۱۳/۱۵۳.

جامعه شناسان هم کارکرد اولیه و بنیادین سوگواری را همین ایجاد همبستگی می دانند و کاری به ماهیت این احساسات و کنش های جمعی ندارند؛ زیرا این دو مسأله ثانوی است که بستگی به موقعیت عزاداری دارد؛ نه اصل کارکرد همبستگی آن. «امر اساسی این است که انسانها گردهم می آیند، احساسات مشترکی را تجربه می کنند و به گونه ای یک کنش جمعی آن را بیان می کنند؛ ماهیت خاص این احساسات و کنشها، چیز ثانوی و وابسته به موقعیت است.»^{۷۶}

بنابراین، تردیدی نیست که سوگواری امام حسین (ع) همبستگی میان ملت ها و افراد جامعه را پدید می آورد، حفظ می کند، می گستراند و عمق می بخشد. «آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی، مراسم عزاداری ائمه اطهار، و بویژه سید مظلومان... است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ... می باشد.»^{۷۷}

سوگواری افزون بر ایجاد همبستگی، آسیب های که این ارزش را از درون و بیرون تهدید می کند یا به تدریج میان لایه های این مناسک رخنه می کند، از بین می برد و ارزشی را که به دست آورده است هم چنان زنده و شاداب نگه می دارد. «همین مجالس است که زنده نگه می دارد ملت ها را؛ در ایام عاشورا زیاد و زیاده تر و سایر ایام هم»^{۷۸} ملت ها و همبستگی اجتماعی شان را زنده تر می کند.

۳. وحدت ملی

عبدالرحیم وردک، وحدت ملی را در پرتو عزاداری نیازمند تحکیم و گسترش می داند. «شرایط ایجاد می کند که مفاهیم و ارزشهای این حماسه را بیش از هر وقت دیگر گرامی داشته و در عمل پیاده کنیم. هنوز هم بقای حیات ملی دراز مدت ما تضمین نشده است. باید نهایت مواظب و هوشیار باشیم و نباید دسیسه ها و توطئه ها و فریب ها و خود خواهی ها ما را صید شکار خود کند.»^{۷۹}

به باور جامعه شناسان و «به ادعای رابرتسون اسمیت، دین دو کارکرد دارد: یکی تنظیم کننده و

^{۷۶} جامعه شناسی دین ۱۷۹.

^{۷۷} صحیفه نور ۲۱/۲۰.

^{۷۸} صحیفه نور ۲۰۹/۱۶.

^{۷۹} راهکارهای عملی اخوت اسلامی ۱۲۲.

دیگری بر انگیزاننده. تنظیم رفتار فردی برای خیر همگان و خیر گروه. گناه کنشی است که هماهنگی داخلی گروه را بهم می زند. دین همین احساس وحدت و اشتراک اجتماعی را بر می انگیزاند. مناسک بیان تکراری وحدت و کارکردهایی است که اشتراک اجتماعی را تحکیم می بخشد.^{۸۰} همان همکاری که از بر انگیختن برآمده بود.

سوگواری افزون بر دو کارکرد یاده شده، مظهر وحدت ملی به شمار می رود. عبدالرحمان رحمانی: «روز شهادت سید الشهداء سردار جوانان اهل جنت را به فال نیک بگیریم و امروز را مظهر وحدت همه مشتاقان و محبان اهل بیت رسول الله بدانیم».^{۸۱}

یکی از دستورات و برنامه های مهم دین ایجاد، حفظ، گسترش و تعمیق وحدت در جامعه و پرهیز از اختلافات درونی و بیرونی است. گزاره «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا؛ همگی به ريسمان خدایی چنگ زنید و پراکنده نشوید».^{۸۲} از یکسو به همبستگی اجتماعی و دینی دستور می دهد و از دیگر سو، جامعه را از پراکندگی باز می دارد. این نهی و آن امر با تأکید ویژه، از اهمیت بی مانند برنامه همبستگی اجتماعی میان امت اسلامی خبر می دهد (بلکه از ما پابندی عملی می طلبد). اتحادی که دین برای آن تشریح شد^{۸۳} تا از یکسو اختلافات گوناگون اجتماعی را بردارد و از دیگر سو، امت واحد و نمونه پدید آورد.

بنا براین، هدف سوگواری تنها «مسأله گریه نیست... مسأله سیاسی است که ائمه ما با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را باهم بسیج و یکپارچه کنند، از راههای مختلف... تا آسیب پذیر نباشند».^{۸۴} جامعه شناسان هم کارکرد اولیه و بنیادین سوگواری را ایجاد همبستگی می دانند. «امراسی این است که انسانها گردهم می آیند، احساسات مشترکی را تجربه می کنند و به گونه یک کنش جمعی آن را بیان می کنند؛ ماهیت خاص این احساسات و کنشها، چیز ثانوی و وابسته به موقعیت است».^{۸۵} بنابراین، «آنچه موجب وحدت بین مسلمین

^{۸۰} جامعه شناسی دین ۱۷۰.

^{۸۱} راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان ۱۳۲.

^{۸۲} آل عمران / ۱۰۳.

^{۸۳} تفسیر المیزان ج ۲، ۱۱۱.

^{۸۴} صحیفه امام ۱۳، ۳۲۳.

^{۸۵} جامعه شناسی دین ۱۷۹.

است این مراسم سیاسی، مراسم عزاداری ائمه اطهار، و بویژه سید مظلومان... است که حافظ ملیت مسلمین... می باشد».^{۸۶} متحد ساختن افراد در قالب گروههای اجتماعی، اتحاد بخشیدن گروه‌ها به گروههای بزرگتر اجتماعی و آنگاه رسیدن به اجتماع بزرگ و سپس وحدت ملی، فرآیند مناسب دینی به شمار می‌رود که جامعه برای کسب اعتبار، هویت و همبستگی خویش طی می‌کند. چون «شعائر و مراسم دینی در متحد ساختن اعضای گروه نقش حیاتی دارد».^{۸۷} چنانکه خود آموزه‌های دینی با واژه‌های امت، نه فرقه، نه قوم، نه گروه، در همبستگی اجتماعی کارکرد بنیادین دارد. «ولتکن منکم امه ید عون الی الخیر و^{۸۸} کان الناس امه واحده فبعث الله النبیین مبشیرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه».^{۸۹} کتیم خیرامه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله».^{۹۰} یکی از مفهومی امت، همان جامعه اسلامی است در برابر جامعه‌های مسیحی، یهودی و دیگر جامعه‌های دینی و غیردینی موجود نه خود امت اسلامی در برابر یکدیگر با لحاظ فرقه‌های مذهبی یا قومی. زمانی که اصل دین، در خطر باشد.

بی تردید برگزاری مشترک عزاداری مانع می‌شود که رهبران سیاسی یک مذهب از این گونه مراسم به نفع برنامه سیاسی خود استفاده کنند. زیرا تاریخ سوگواری نشان داده است که سطحی نگری سوگواران، خرافه‌گرایی مداحان، کاستی برنامه‌ریزان و نادانی مبلغان می‌تواند اختلافات مذهبی، قومی و ملی را در افغانستان ایجاد کند و گسترش دهد. چون «همان‌گونه که عزاداری در حرکت‌های ملی و نیروهای سیاسی تأثیر گذار است، حرکت‌های ملی و نیروهای سیاسی نیز، سعی می‌کنند در عزاداری حسینی مداخله کرده و به قدر امکان از آن در جهت اهداف خود بهره‌برداری کنند. مانند دهه اول محرم و روز اربعین که اهمیت و تأثیر بسزای برای شیعیان دارد».^{۹۱} طرفداران جنبش انصار الاسلام، اعلامیه‌هایی دعوت به آرامش و سازش را در مجالس عزاداری توزیع می‌کردند

^{۸۶} وصیت نامه امام، ص ۱۱.

^{۸۷} جامعه شناسی گذنز ۷۷۸.

^{۸۸} آل عمران/ ۱۰۴.

^{۸۹} بقره/ ۲۱۳.

^{۹۰} آل عمران/ ۱۱۰.

^{۹۱} تراژدی کربلا، ۴۵۰.

و در این مجالس به جمع‌آوری امضاهای در حمایت از حزب خویش اقدام کردند.^{۹۲}

نتیجه

در افغانستان شیعه و سنی عزای نوه‌ای رسول خدا(ص)، امام حسین(ع)، را جداگانه و مشترک برگزار کرده‌اند. در این گونه سوگواری، نقطه‌های مشترک دو مذهب و اقوام افغانی گسترش یافته و تقویت می‌شوند و نقطه‌های افتراقی آنان رسمیت یافته محترم شمرده می‌شوند. دیدگاه نادرست پیروان مذاهب و اقوام نسبت به محتوا و مناسک مذهب و قوم دیگری اصلاح می‌شود و برداشت کژ آنان تصحیح می‌گردد. دشمنان مردم و دولت افغانستان نا امید می‌شوند. پیش‌دآوری یا تبلیغات نادرست و افراطی‌گرایی یا خرافه‌های که پیروان یک مذهب به دیگری نسبت می‌دهند در این گونه مجالس به واقعیت نزدیک می‌شود. برنامه‌های اختلاف‌انگیز دشمنان افغانستان با این مجالس، ناکام می‌ماند. عزاداری مشترک جلو افراطی‌گری مذهبی، قومی و بهره‌وری سیاسی را می‌گیرد و با محور قرار گرفتن دین مشترک، منافع و مصالح مشترک، فرهنگ مشترک و تاریخ مشترک و دشمن مشترک و سرزمین مشترک، افغانستان به وحدت ملی و توسعه همه‌جانبه نزدیک می‌شود. فرهنگ وحدت، سیاست عادلانه، اخلاق اجتماعی و پذیرش دیگران در جامعه گسترش می‌یابد. همبستگی اجتماعی زمینه وحدت ملی را می‌گسترده و توسعه می‌دهد. وحدت ملی از یکسو، به رسمیت شناختن نقاط جدایی اقوام و مذاهب و احترام به آنها شکل می‌گیرد و از دیگر سو، گسترش و ژرفایی مشترکات فراوان مردم را می‌طلبد. دو پایه وحدت ملی که یکی وظیفه دولت و سیاستمداران است و دیگری وظیفه همگانی. این دو مؤلفه تار و پود وحدت ملی را تشکیل می‌دهد که بدون یکی دیگری بی‌معنی خواهد بود.

کتابنامه

۱. ابن نمای حلی: مثیرالاحزان، تهران، دارالکتب اسلامی، بی تا.
۲. اسفزاری، معین الدین محمد زمچی: روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۳. امام خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
۴. امام خمینی، صحیفه انقلاب، وصیت نامه سیاسی الهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴ تیر ۱۳۶۸.
۵. حبیبی، عبدالحی: تاریخ افغانستان بعد از اسلام، دوم، تهران، دنیایی کتاب، ۱۳۶۳.
۶. حیدری، ابراهیم: تراژدی کربلا، علی معموری و جواد معموری، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۱، اول.
۷. دورکیم، امیل، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.
۸. رازی، قزوینی، عبدالجلیل: النقض، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۹. ری شهری، محمد محمدی: شهادت نامه امام حسین، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹، اول.
۱۰. شهرستانی: تاریخچه عزاداری حسینی، اول، قم، حسینیه عمادزاده، بی تا.
۱۱. شبیبی، کامل مصطفی: تشیع و تصوف، علی رضا ذکاوتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۱۲. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۷.
۱۳. عادل، سید جعفر: راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اول، ۱۳۸۸.
۱۴. علامه کاشف الغطاء، سیاسیة الحسینیه، مجله درسهایی از مکتب اسلام، آبان ۱۳۶۱، شماره ۲۶۰، قم.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، سوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۶. گشایش: فصلنامه فرهنگی - دینی و اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۲ و ۲۳.
۱۷. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، حسن چاوشیان، تهران، نی، ۱۳۸۶، چهارم.

۱۸. ناصری داوودی، عبدالمجید: انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
۱۹. ناصری داوودی، عبدالمجید: تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۰. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین ترجمه محسن ثلاثی تهران: انتشارات تبیان. ۱۹۹۵ / ۱۳۷۷.